

واکاوی جامعه‌شناختی ناآرامی‌های اجتماعی سال ۱۴۰۱ ایران (با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی)

حسین انصاری فرد^۱ حمید صالحی^۲

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، رایانامه: Ansari_90@yahoo.com
- ۲- نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، رایانامه: hsalehi84@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

هدف از پژوهش حاضر بررسی جامعه‌شناسانه شکل‌گیری ناآرامی‌های اجتماعی در ایران سال ۱۴۰۱ است. پس از درگذشت خانم مهسا امینی ناآرامی‌های در ایران رخ داد که از لحاظ خاستگاه و پایگاه، شکل و محتوا و همچنین دامنه و گستره، با حوادث اعتراضی یک دهه اخیر تفاوت داشت. سوال پژوهش حاضر مبتنی بر چپستی این ناآرامی‌ها است. فرضیه تحقیق شکل‌گیری این اعتراضات اجتماعی را در شکل مدرن و بر اساس جامعه شبکه‌ای و سه نوع شکل اعتراضی هویت، مخالفت و عمومیت می‌داند که در تضاد با الگوهای حاکم شکل می‌گیرد. روش گردآوری داده‌ها اسنادی، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها ردیابی فرآیند، نوع تحقیق کیفی و ملهم از نظریه جنبش‌های اجتماعی آلن تورن است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شکل‌گیری جنبش اجتماعی ۱۴۰۱ با تغییر شرایط جدید جامعه در چهار سطح بین‌المللی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به واسطه گسترش رسانه‌های اجتماعی منجر به تغییر الگوها و نگرش‌های حاکم بر جامعه شده و هویت آن در مغایرت با هویت‌های مورد قبول حکومت است.

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:

جنبش، رسانه، اینترنت، جامعه شبکه‌ای، الگوی فرهنگی، هویت، شعار، ایران

استناد:

© نویسندگان.



۱- مقدمه

اعتراضات اجتماعی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. در تاریخ معاصر ایران اعتراضات مختلفی از سوی جامعه علیه نظام سیاسی حاکم به وقوع پیوسته که گاه منشأ اثر بوده و گاهی نیز توسط حاکمیت رو به خاموشی رفته است. سنخ و جنس اعتراضات در ایران متفاوت و حتی گاهی متعارض با اعتراضات پیش از خود بوده است. از نظر جنس، میزان و دامنه این اعتراضات با یکدیگر تفاوت و تشابهاتی وجود دارد. در طی یک دهه اخیر اعتراضات متنوعی در ایران به وقوع پیوست که هر کدام به نوبه خود با یک اتفاقی شکل گرفتند. ناآرامی‌های پاییز سال ۱۴۰۱ گونه‌ای دیگر از اعتراضات بود که برخی از آن به عنوان جنبش (اخضریان، ۱۴۰۱)، برخی آن را اغتشاش (جمشیدی، ۱۴۰۱) و برخی دیگر آن را شورش (افروغ، ۱۴۰۱) دانستند. اما آنچه که فصل مشترک این واقعیت اجتماعی می‌باشد این است ناآرامی‌های اخیر گر چه در آغاز با اعتراضاتی پراکنده به یک مسئله اجتماعی - فرهنگی آغاز شد، به سرعت سویه سیاسی پیدا نمود اما به معنا قرار گرفتن کشور در وضعیت انقلابی نبود (دلآوری، ۱۴۰۱).

این اعتراضات از سوی سه جبهه به صورت توأمان حمایت و هدایت شد. از یک سو، وجه داخلی به خود گرفت و برخی از معترضین به وضع موجود به خیابان‌ها آمدند. جبهه دومی که این اعتراضات را دستمایه سیاسی خود قرار دادند، اپوزیسیون خارج‌نشین و مخالف جمهوری اسلامی ایران بودند. در این میان می‌توان به گروه‌های سلطنت‌طلب و مجاهدین خلق اشاره کرد. آنان خود را در قامت رهبر و توازن‌کننده اعتراضات می‌دیدند هر چند با یکدیگر فاصله داشتند. طیف سوم این جبهه، دیاسپورای ایرانی (جوامع دور از وطن) قرار داشت که به دلایل متعدد از جمله مهاجرت با ایرانیان معترض همسو شدند. با این وجود، دامنه اعتراضات روزه روز شعله‌ورتر و گسترده‌تر آن نیز بیشتر شد. برخی آن را از زوایه روان‌شناختی تحلیل کردند (فضلی، ۱۴۰۱). به نظر این گروه اعتراضات پاییز از جنس روان‌شناسی و مبتنی بر بدن‌مندی و در نتیجه ترس است. برخی آن را امر ارتباطی دانستند (فیاض، ۱۴۰۱). به عقیده این دسته، اعتراضات از انقلاب اسلامی تا کنون سه مرحله را پشت سر گذاشته است که شامل امر سیاسی، امر جنسی و امر ارتباطی است. برخی دیگر اعتراضات را به بی‌توجهی نظام حاکم به خواسته‌های شهروندان نسبت می‌دهند (دلآوری، ۱۴۰۱). به نظر این گروه در طول سال‌های اخیر

جامعه ایران به یک سو می‌نگریست و به راهی می‌رفت و نظام حکمرانی به سوئی دیگر و راهی دیگر.

به هر حال نویسندگان معتقدند شکل‌گیری و ادامه این اعتراضات دلایل مختلفی داشت است. اما بعد اقتصادی و فرهنگی در ایجاد و رسانه، جامعه شبکه‌ای و نیروی خارجی در ادامه آن نقش به‌سزایی داشتند. و از آنجای که پرداختند به همه زوایای این اعتراضات در این پژوهش نمی‌گنجد نویسندگان بر بعد فرهنگی آن تمرکز دارند.

۲- پیشینه پژوهش

خلیل سردارنیا و هنگامه البرزی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل اعتراضات صنفی-اجتماعی اخیر در ایران از منظر نظریه سیاست خیابان» به این نتیجه می‌رسند که این اعتراضات به لحاظ ماهوی از نوع خودانگیخته و مستقیم در خیابان، بدون رهبر، نوآوری در تاکتیک مبارزاتی، بی‌اعتمادی به تشکلهای صنفی و مدنی، مستمر و زنجیروار، ارتباطات افقی با اعتراضات مشابه و ویژگی‌های دیگر بوده‌اند. ابوالفضل دلاوری در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل چندلایه‌ای اعتراضات اخیر و چشم‌اندازهای آینده» به این نتیجه می‌رسد که در میان مدت، محتمل‌ترین سناریوها به ترتیب شامل «اصلاحات محدود از طرف ترکیب فعلی گروه حاکم»، «ادامه وضع موجود» (حرکت به سوی وضعیت ونزوئلای) و «اصلاحات جدی در اثر تغییر ترکیب هیأت حاکمه در بزنگاه‌های احتمالی» است. نامحتمل‌ترین سناریوها شامل «بازسازی ثبات از طریق سرکوب کامل در داخل و اعلام دستیابی به سلاح هسته‌ای در سطح بین‌المللی» (حرکت به سوی وضعیت کره شمالی)، «تشدید تعارضات و جنگ داخلی» و «انتقال انقلابی قدرت» است.

۳- ادبیات نظری

«آلن تورن^{۱۶}» معتقد است که زندگی اجتماعی از طریق دستاوردهای فرهنگی و تعارضات اجتماعی تولید می‌شود و در قلب جامعه، جنبش‌های اجتماعی شعله‌ور هستند. به نظر او یک جامعه دو مؤلفه بنیادین دارد: تاریخ‌مندی و روابط طبقاتی. منظور از تاریخ‌مندی، ظرفیت ایجاد مدل‌هایی است که بر اساس آنها عمل می‌کند و منظور از

روابط طبقاتی این است که از طریق آنها این جهت‌گیری‌ها به کردار اجتماعی تبدیل شده و با نوعی از سلطه اجتماعی مشخص می‌گردند. به اعتقاد تورن، جنبش‌های اجتماعی موضوع اصلی جامعه‌شناسی هستند. نظریه وی به طور ویژه بر روی مفهوم کنش و تاریخمندی متمرکز شده است، به طوری‌که نقطه آغاز نظریه او کنش جمعی است. تورن آن کنش جمعی را جنبش اجتماعی می‌خواند که شامل ستیزه‌هایی باشد که پیرامون توانایی‌های نهادینه شده الگوهای فرهنگی رایج است. به عبارت دیگر او جهت‌گیری جنبش‌ها را معطوف به الگوهای فرهنگی‌ای می‌داند که بر جامعه سیطره دارند. مشکل تورن با این الگوها از آنجا ناشی می‌شود که شرایط جدید جامعه باعث تسلط گروه خاصی بر فرآیند الگوسازی و ارزش‌ها می‌گردد. از این رو تورن جنبش‌های اجتماعی را کنش‌های جمعی‌ای می‌داند که تلاش می‌کنند حیات اجتماعی منابع مهم مصرفی و جهت‌گیری‌های فرهنگی پذیرفته شده در جامعه تحت مراقبت را تغییر دهند (Tourain, 1981: 35).

در دیدگاه تورن جنبش‌های اجتماعی پدیده‌هایی استثنایی نیستند بلکه دائماً در قلب حیات اجتماعی جاری هستند. آلن تورن در تحلیل خود از پیدایش جنبش‌ها به عامل «تاریخیت» اشاره می‌کند. از نظر تورن برای ایجاد تغییر در جامعه باید به شناخت فرایندهای اجتماعی موجود در جامعه دست یافت. بنابراین «تاریخیت» شیوه نگرشی است که از شناخت فرایندهای اجتماعی حاصل می‌شود (این فرایندها شامل جریان‌های فکری و الگوهای زندگی است که ساختار سیاسی برای ماندگاری خود آنها را بر مردم تحمیل می‌کند). پیامد این شناخت شکل‌گیری جنبش‌ها و تلاش برای تغییر وضعیت موجود است. برای مثال آگاهی در مورد نابرابری در آموزش و پرورش منجر به ظهور جنبش حقوق مدنی در آمریکا گردید.

با بررسی دقیق و موشکافانه «تاریخیت» تورن می‌توان آن را با «خودآگاهی» مارکس مقایسه کرد که زمینه پیدایش جنبش‌های کارگری را هموار می‌کند، یا همچنین رویکردهای کارکردگرا که زمینه‌های پیدایش انقلابات و جنبش‌ها را با عدم تطابق ارزش‌ها و محیط تبیین می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که همه این دیدگاه‌ها در تبیین خود از جنبش‌ها عناصر مشترک دارند. هر چند این گونه تبیین‌ها ممکن است به تک عاملی بودن یا جبرگرایی فرهنگی متهم شوند.

تورن در مورد آینده جنبش‌ها و تکامل سازمانی بر نحوه ارتباطات جنبش‌ها و ساختار تأکید می‌کند. وی معتقد است که: «فرایند گفتگوی متقابل که در میدان عمل وجود دارد ممکن است به تغییر در شرایطی منجر شود که جنبش درصدد مبارزه با آن بوده است. اما همچنین ممکن است به ترکیب و یکی‌شدن دیدگاه‌های هر یک از طرفین بیانجامد. در هر یک از دو حالت جنبش ممکن است محو شود یا به عنوان یک سازمان دائمی نهادی شود (صبوری: ۱۳۸۳، ۶۸۴).

آن تورن اصول سه‌گانه‌ی را برای موجودیت جنبش اجتماعی پی‌ریزی کرده است که عبارتند از:

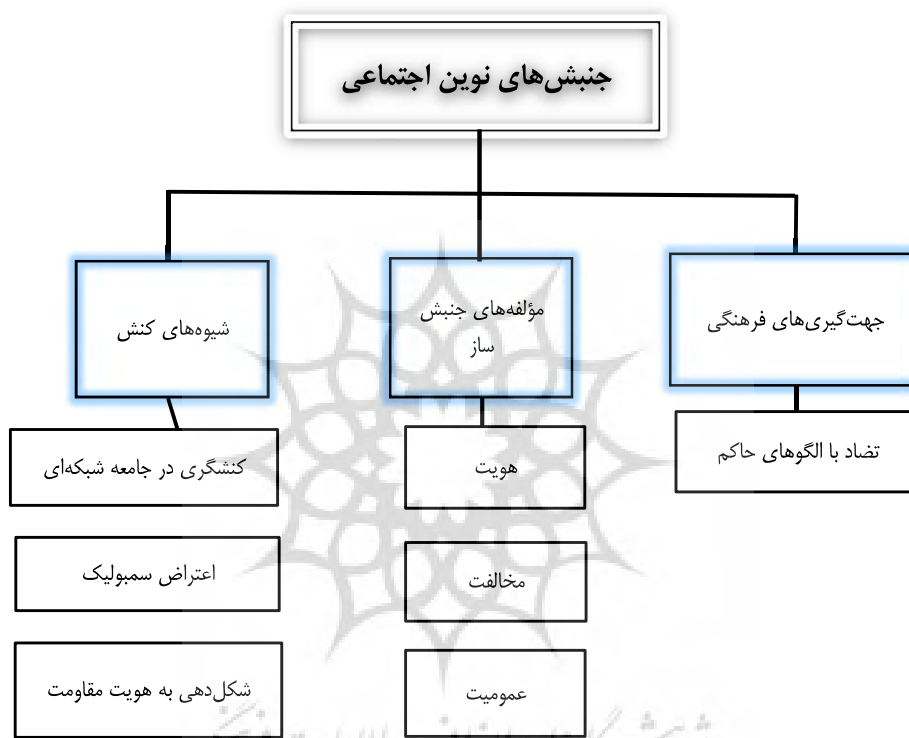
۱- اصل هویت: یک جنبش اجتماعی باید از هویتی مشخص برخوردار باشد یعنی اینکه مشخص شود از چه افرادی تشکیل شده، سخنگوی چه افراد و گروه‌هایی است و مدافع و محافظ چه منافعی است.

۲- اصل مخالفت: جنبش اجتماعی همیشه در برابر نوعی مانع یا نیروی مقاوم قرار دارد و پیوسته سعی در درهم شکستن دشمنانی دارد. بدون اصل مخالفت (ضدیت) جنبش اجتماعی نمی‌تواند وجود داشته باشد. اکثر جنبش‌های اجتماعی همیشه با وضع موجود مخالفند و اهداف خود را با وضع موجود در تعارض می‌بینند.

۳- اصل عمومیت: یک جنبش اجتماعی به نام ارزش‌هایی برتر با ایده‌هایی بزرگ، فلسفه یا ایده‌های مذهبی آغاز می‌گردد و کنش آن هم ملهم از تفکر و عقیده‌ای است که تا حد امکان سعی در گسترش و پیشرفت دارد. دلایلی که باعث کنش یک جنبش اجتماعی می‌شود ممکن است به صورت منافع ملی، آزادی بشریت، رفاه و خوشبختی جمعی، حقوق انسانی، سلامت همگانی، خواست الهی و ... باشد و اینها همان خصوصیات‌اند که تورن آن را اصل عمومیت می‌نامد. این اصل هم مانند اصل هویت و اصل مخالفت برای شناخت ذات و جهت‌گیری یک جنبش اجتماعی معمولاً با تغییر در اصل عمومیت آن همراه است (روشه، ۱۳۶۶: ۱۶۷).

تورن همچنین جنبش‌ها را به سه گروه جنبش‌های تاریخی، جنبش‌های اجتماعی و جنبش‌های فرهنگی تقسیم می‌کند. وی جنبش‌های تاریخی را جنبش‌هایی می‌داند که در خصوص شیوه توسعه با حاکمیت سیاسی یا دولت در تضاد باشند و اعتبار دولت را به این سبب زیرسوال ببرند. جنبش‌های اجتماعی بر فرایند شکل‌گیری روابط اجتماعی در

جامعه به ویژه در ارتباط با مدرنیته تکیه می‌کنند. اما یک جنبش فرهنگی ضمن تاکید بر جهت‌گیری فرهنگی جامعه فضا را برای حضور اعضای یک حوزه فرهنگی در جامعه مناسب می‌گرداند.



۴- روش تحقیق

روش تحقیق بر اساس روش ردیابی فرآیند است. ردیابی فرآیند تکنیکی است که در آن تحلیلگر کیفی تلاش می‌کند، مکانیسم‌های علی را مشخص کند که متغیر تبیینی را به یک پیامد یا معلول پیوند می‌دهد. روش ردیابی فرآیند برای شناسایی سلسله علت‌هایی که به شکل زنجیره‌ای از مکانیسم‌های علی بین یک متغیر مستقل (متغیرهای مستقل) و نتیجه متغیر وابسته است تلاش می‌کند. تجزیه روابط علت و معلولی به پیوندهای خردتر که توسط پژوهش‌گر قابل مشاهده باشد، از عمده کارویژه‌های ردیابی فرآیند است (طالبان، ۱۳۸۷: ۹۶).

در خصوص تحلیل شکل‌گیری اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ به کارگیری این تکنیک معطوف به بیان جزئیات وقایع داخلی و بین‌المللی و سیاست جهانی است که منجر به شکل‌گیری و تداوم آن شده است. این تکنیک در مطالعات موردی در پژوهش‌های کیفی بر این پیش‌فرض استوار است که مطالعه تبیینی یک پدیده‌ی خاص (شکل‌گیری جنبش اعتراضی در ایران) نیازمند درک فرایند وقوع و ردیابی توالی علّی سلسله اتفاقاتی است که به دنبال هم رخ داده‌اند. بدین ترتیب برای تبیین یک واقعه خاص باید آن را در یک پیوستار علّی دید و مراحل گوناگونی که پشت سر هم رخ داده‌اند را روشن کرد.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- جهت‌گیری‌های فرهنگی جنبش

۵-۱-۱- الگوهای فرهنگی جامعه توسط حکومت

با پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی بر سر کار آمد که مظاهر و نمادهای فرهنگی رژیم پهلوی را کنار زد و الگوی فرهنگی مطلوب و ایده‌آل جامعه آن روز را ترسیم و به اجرا در آورد. سیستم سیاسی جدید، مبتنی بر ارزش‌های دینی و ساخت حکومت و جامعه بر پایه دین بود. به عبارتی، با پیروزی انقلاب اسلامی نظامی بر ایران حاکم شد که بنا به سرشت و ریشه‌های تولد و پیدایش خود، فرهنگ را به عنوان چارچوبی قاعده‌مند و موتور محرک سیاسی اجتماعی حیات می‌بیند. (ذکایی و شفیعی، ۱۳۸۹: ۸۸).

آنچه که در یکی از مسائل مورد توجه در الگوی فرهنگی جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد؛ مسئله حجاب است. به‌طوری که از همان بدو انقلاب اسلامی، حجاب با نظر امام خمینی (ره) روندی اجباری پیدا نمود و ورود زنان بی‌حجاب به اماکن دولتی ممنوع شد. حادثه خاصی در خصوص حجاب تا سال ۱۳۶۲ در کشور اتفاق نیفتاد اما از همین سال کشور با پدیده بدحجابی مواجه شد که مجلس در پی آن قانون مجازات اسلامی را به تصویب رساند. به موجب این قانون، «هر کس در معابر عمومی حجاب را رعایت نکند، به ۷۲ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». در دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای نیز کشور با پدیده بی‌حجابی رو به‌رشد مواجه شد و ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید. با بروز لوازم مدرنیته و رشد و شکوفایی جامعه، به مرور مسئله کشور از بدحجابی به بی‌حجابی تبدیل شد. در واقع با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، در هر

دوره بر اشکال متفاوتی از حجاب تأکید شده است. دهه ۱۳۶۰، دهه حجاب اجباری، دهه ۱۳۷۰، دهه بدحجابی، دهه ۱۳۸۰ تا کنون دهه بی‌حجابی است (جاوید و شاه‌مرادی، ۱۳۹۶: ۱۵۷-۱۶۰).

حکومت در راستای جامعه‌پذیری سیاسی در همه ارکانش تلاش نمود است اما بخشی از نسل جدید (به خصوص دهه ۸۰) این الگوی فرهنگی را مطلوب ندانسته و در صدد ارائه الگویی جدید به ویژه در سطح زندگی است. آنان با مظاهر دینی رابطه‌ای ندارند و به نوعی از فرهنگ سکولاریسم تبعیت می‌کنند. این امر را می‌توان در شعارهایی که سر داده می‌شود، یافت. شعار، جزو لاینفک هر مطالبه جمعی یا حرکت اعتراض میدانی و مدنی است. شعارهایی که توسط معترضان سر داده شد در ابتدا به صورت اجتماعی بود که به تدریج سویه‌های سیاسی پیدا نمود.

بارزترین شعارهای سر داده شده توسط معترضان شعار «زن، زندگی، آزادی» است که در آن به نوعی به مسائل اجتماعی جامعه توجه دارد.

شعارها بخشی از حضور توده‌ها در خیابان، معیادگاه همیشگی سوژه و سیاست هستند و نمی‌توان حضور مردم را بدون شعار تصور کرد. هر جامعه‌ای التهابات خاص خودش را دارد و اصولاً جوامع مانند خطوط الکتروکاردیوگرافی قلب که نبض‌های حیات را نمایش می‌دهند، با همین فراز و فرودها و التهابات و تحولات زنده بودن خودشان را نمایان می‌کنند. تصور جامعه‌ای که هرگز دچار التهاب و تحول نشود، محال است و این حکم در مورد جامعه ایران نیز صادق است. باید پذیرفت که تحول و تغییر، ویژگی طبیعی هر جامعه‌ای است که گاه می‌تواند شکل اعتراض و شورش و دیگر اشکال متفاوت حضور توده‌ای در خیابان و میدانی به خود بگیرد و این حضور هم فارغ و عاری از شعارها نیست. در سطح تبیین جامعه‌شناختی به این نکته حایز اهمیت می‌توان اشاره کرد که از سال ۱۳۸۸ به بعد تحریم‌های سنگین اقتصادی زوال طبقه متوسط و فرسایش نهادهای مدنی را به همراه داشت. و مطالبات اقتصادی بر سیاسی پیشی گرفت و نیروهای حاشیه و دهک‌های فرودست برای مطالبات حداقلی و معیشتی وارد میدان سیاست شده‌اند. بدیهی است هر چقدر نزاع از سطح «مدنی» به سطوح «طبیعی» نیل کند، میزان خشونت چه در کردار و چه در گفتار افزایش می‌یابد. سیاست محل حل و فصل منازعات مدنی است و

باید با میدان داری نهادهای واسطه انجام شود، تقلیل آن به تنازع بقاء، کنش سیاسی را خشن و زبان سیاست را تند و رکیک می کند (مرادی طادی، ۱۴۰۱).

هسته اصلی اعتراض ها «زن، زندگی، آزادی» است؛ شعاری با دلالت های گوناگون که ناظر است به سبک زندگی، مساله زنان، آزادی و به ویژه آزادی های مدنی، و توجه کمتر به اقتصاد و خواسته های مادی. معترضان نیز غالباً ترکیبی از ناراضیان فرهنگی (هنرمندان و ورزشکاران)، ناراضیان قومی، ناراضیان نسلی و جوانان و ناراضیان جنسیتی و زنانند. هم آیندی و تلاقی این ناراضیان حول مساله فرهنگ و سبک زندگی است؛ اگرچه به تدریج مطالبات سیاسی بزرگ تر نیز مطرح شده است. «تصویر آینده» حداقل در ذهن جمعیت معترض، تصویری تار، ناامیدکننده و ویرانگر است. فقر، بیکاری، بحران های محیط زیستی، صداهای ناشنیده، نابرابری ها، تبعیض ها، فسادها، نارضایتی های سیاسی، بی اعتمادی، فرسایش سرمایه اجتماعی، سرکوب ها و ناملایمات، ذهن جامعه و معترضان را تسخیر کرده اند. این تصاویر رنج دهنده خشم می آفریند؛ به ویژه هنگام خالی بودن جای «تصویر آینده»، آینده ای سازنده و نویدبخش (فاضلی، ۱۴۰۱).

۵-۱-۲- شرایط جدید جامعه

شرایط حاکم بر جامعه ایران مبتنی بر چهار سطح است که باعث شده تا اعتراضات گسترده ای در کشور شکل بگیرد. در سطح اقتصادی کشور در طول انقلاب اسلامی با مشکلات عدیده ای مواجه شد. مشکلات اقتصادی در مقایسه با حوزه های دیگر، بیش از ده سال است که به مسئله اول کشورمان تبدیل شده است و قاعدتاً به علت فشاری که بر دوش مردم وارد می کند، به دغدغه اصلی مردم مبدل شده است. نرخ تورم، افزایش حجم نقدینگی، کسری بودجه، افزایش هزینه های جاری، کاهش ارزش پول ملی، کاهش قدرت خرید مردم، کاهش نرخ اشتغال، کاهش رشد اقتصادی، تغییرات مستمر نرخ ارز، افزایش مداوم قیمت کالا و خدمات بخش دولتی و بخش خصوصی، کاهش سرمایه گذاری داخلی و خارجی، کاهش بهره وری (تدین، ۱۴۰۱) و... از جمله مشکلات و معضلات اقتصادی ایران است که باعث شد تا مردم نسبت به وضعیت موجود معترض باشند.

در سطح بین المللی، تحریم های اقتصادی و انزوای سیاسی و در نتیجه افزایش هزینه تقابل با آمریکا و نظام سلطه دامن گیر مردم گردید. تضاد جمهوری اسلامی و قدرت های

رقیب منطقه‌ای گاه استعداد آن را داشته که ابعاد رویارویی مستقیم نظامی را پیدا کند(صداقت، ۱۴۰۱).

در سطح سیاسی شاهد صداهاى ناشنیده، نارضایتی سیاسی، ناکارآمدی نظام سیاسی، بی‌اعتمادی به کارگزاران، مشکلات زیست‌محیطی، تأکید بر وجه اسلامی و نادیده گرفتن وجه ملی و باستانی (به جز نوروز)، کنار گذاشتن نیروهای معتدل و میانه‌رو از بدنه سیاسی، به حاشیه رفتن نیروهای به اصطلاح اپوزیسیون و ... بوده‌ایم(عبدی، ۱۴۰۱).

در سطح اجتماعی نیز جامعه از مشکلات عدیده‌ای نظیر شکاف نسلی، شکاف طبقاتی، نابرابری‌های اجتماعی، تبعیض، فساد، گزینش‌های هدفمند، نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها، پایین آمدن نرخ ازدواج، افزایش سن ازدواج، افزایش بزهکاری نظیر دزدی، جرم و جنایت، خودکشی، طلاق و ... بر مردم حاکم شده است.

جمهوری اسلامی در ابتدای شکل‌گیری‌اش «تصویر آینده» ای را خلق کرد که از سویی بر ایده مهدویت استوار بود و از سوی دیگر با همه تعارضاتش با مدرنیته، پذیرای بسیاری از عناصر آن چون علم، فناوری، تفکیک قوا، حاکمیت قانون، ایجاد رفاه و توسعه نهادهای مدرن بود؛ تصویری که نوید عدالت، رفع تبعیض، اخلاق، آزادی، استقلال، معنویت، برادری، توسعه و حاکمیت قانون را می‌داد و در قانون اساسی نیز بیان شدند. اما با گذشت زمان در تحقق بخشی از این آرمان‌ها ناکام ماند. ناآرامی‌های ۱۴۰۱ در امتداد اعتراضات سال ۹۸-۱۳۹۶ قابل تحلیل است. نظام سیاسی کارآمدی لازم و متناسب با تحولات تکنولوژیک و رسانه‌ای شدن، جهانی شدن، تجاری شدن، فرآیندهای شهری و کلان شهری شدن و تحول جامعه را نداشته است و نتوانسته «تصویر آینده واقع‌نگر، باورپذیر و سازنده» برای نسل‌های جدید خلق کنند. نظام سیاسی همگام با تحولات و مقتضیات جامعه و نسل‌های جدید به روز نشده است. نسل‌های جوان‌تر باورها و ارزش‌های خود را متغییر با الگوهای رسمی می‌بینند و نتوانسته ارتباطی معنادار و سازنده با الگوی فرهنگی حکومت برقرار کنند(فاضلی، ۱۴۰۱).

انباشت مستمر بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به خصوص طی ۱۰ سال اخیر در درون جامعه از یک سو و تداوم سیاست تنازع، طرد، انتزاع و خشونت از جانب نظام حکمرانی از سوی دیگر زمینه‌ساز و عامل اصلی بروز ناآرامی‌های اخیر است که در

این مورد به ویژه بر انتزاع روزافزون نظام حکمرانی از محیط داخلی و خارجی تأکید می‌شود. چنین انتزاعی موجب شده تا نظام حکمرانی درک چندان درست و دقیقی از واقعیت‌های محیط داخلی و خارجی خود نداشته باشد و در یک تصور و تصویر خود ساخته به سر برد و یا در سایه برخی اولویت‌های مُصرانه خود این واقعیت‌ها را نادیده بگیرد یا حتی انکار کند. چنین وضعیتی به ویژه طی سال‌های اخیر از یک سو باعث انباشت حجم عظیمی از نارضایتی‌ها، عصبانیت‌ها و خشم‌های پیدا و پنهان در میان اقشار و بخش‌های مختلف جامعه به ویژه بخش‌هایی شده است که فشارهای مضاعفی را تحمل می‌کرده‌اند نظیر زنان و جوانان. نشانه‌های آشکاری از این نارضایتی‌ها و خشم‌ها طی چند سال اخیر به گونه‌های متفاوتی در انواع اعتراضات و ناآرامی‌ها رخ نشان داده بود اما هر بار غالباً یا نادیده گرفته یا صرفاً سرکوب می‌شد. این بار اما این نارضایتی‌ها و خشم‌ها با شدت و حدت بیشتری از گفتار و کردار بخش‌های آسیب دیده‌تر و نگران‌تر جامعه یعنی زنان و جوانان خود را نشان می‌دهد (دلآوری، ۱۴۰۱).

۵-۱-۳- تغییر شرایط جامعه

در طول یکصد سال اخیر، شاهد این هستیم که تغییر و تحول در ذات جامعه ایرانی قرار دارد. این تغییرات از اواخر دوران قاجار آغاز و در دوره پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی نیز ادامه پیدا کرد به نحوی که در دهه‌های اخیر می‌توان گفت، هر ۲۰ تا ۲۵ سال جامعه ایران شکل جدیدی به خود گرفته است. در واقع جامعه ایران را نمی‌توان در هر بُرهه از زمان، همان گذشته خود دانست که در این ارتباط سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها نقش مهمی در این تغییرات داشته است. جامعه ایران در حوزه جمعیت به خاطر سیاست‌های بهداشتی و کاهش مرگ و میر کودکان و افزایش امید به زندگی، با رشد جمعیت مواجه بوده و ساختار جمعیت تغییر یافته است. همچنین، بسط و گسترش سطح تحصیلات و آموزش عالی و شکل‌گیری مراکز متعدد آموزشی و دانشگاه‌ها، ارتباط با سایر جوامع و کشورها، افزایش تعاملات در فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های ارتباطی مختلف و رشد علم و تکنولوژی و ... چهره جامعه ایران را تغییر داده است. تغییرات در حوزه رشد اقشار اجتماعی و تحول در خانواده و سبک زندگی و ازدواج از جمله دیگر این تغییرات است. در حوزه سیاست نیز احیاء ارتباط میان سیاست با جامعه از طریق

مکانیسم جمهوریت در سال‌های بعد از انقلاب با تأکید بر انتخابات، منجر به مشارکت و گردش کارگزاران سیاسی شد به طوری که بخش مهمی از نیروهای سیاسی از درون طبقات پایین جامعه و روستاها به قدرت رسیدند. این مسئله همچنین منجر به تأثیرپذیری حوزه سیاست از علائق عمومی شد؛ به طوری که طی چند دهه گذشته شاهد ظهور افکار و گفتمان‌های سیاسی متفاوت در سیاست‌گذاری هستیم (فاضلی، ۱۴۰۱).

همچنین ارتباطات جهانی و گسترش فضای مجازی و ارتباطات و مراودات علمی و گردشگری و ... تغییرات مهمی را در جامعه ایران به وجود آورده که این تحولات عینی منجر به تحول در اذهان و ذهنیت بخش مهمی از مردم در ایران و گفتمان‌های موجود جامعه شده است که این تغییرات نشان‌دهنده تحول در ساختارهای جامعه است و اینکه جامعه، جامعه‌ای راکد و دچار انسداد خاصی نیست؛ تغییر و تحول شکل‌دهنده ذات و جوهره جامعه ایران در یکصد ساله اخیر به خصوص پس از انقلاب اسلامی است، لذا شناخت این واقعیت متغیر جامعه ایران، جدای از ابعاد مثبت و منفی آن و شناخت دقیق این روندها از اهمیت خاصی برای فهم و تحلیل وقایع در ایران و نوع مواجهه و مدیریت آنها و همچنین آینده‌پژوهی ویژگی‌های جامعه ایران در دهه‌های آینده دارد (فوزی، ۱۴۰۱).

تحولاتی اتفاق افتاده و دسترسی به آگاهی دموکراتیک شده، سطح سواد و آموزش مردم بالا رفته و روشن فکران دیگران آن پوزیشن منحصر به فردی که کسی نمی‌داند و ما می‌دانیم را از دست داده‌اند؛ در نتیجه دموکراتیک شدن دسترسی به منابع آگاهی، تو با مردمی مواجه هستی که مطالباتشان را بدون میانجی‌گری ساختارهای زبانی جست و جو می‌کنند. یعنی مردم به میدان می‌آیند، خواستشان را مستقیم بیان می‌کنند؛ به کسی که می‌خواهند حمله کنند فحش ایدئولوژیک نمی‌دهند، همان طوری که از دل و ضمیرشان بر می‌آید و دلشان را خنک می‌کند، بیان می‌کنند و اگر مطالبه مشخصی دارند، سریع و مشخص به همان اشاره می‌کنند و اعتمادشان را به زبان‌ها و گروه‌های میانجی از دست داده‌اند (غلامرضا کاشی، ۱۴۰۱).

۵-۲- مؤلفه‌های جنبش‌ساز

۵-۲-۱- هویت: هویت این نوع جنبش از نوع فرهنگی، زنانه، سکولاریسم و در تضاد با فرهنگ‌های ایجاد شده توسط حکومت است. بر خلاف اعتراضات دیگر که شعارهای

مردانه داده می‌شد، در این جنبش شعارها از نوع زنانه و با رمز مهسا امنیتی شکل گرفت. هویت افراد حاضر در جنبش عمدتاً جوانان زیر ۳۰ سال، تحصیل‌کردگان و عمدتاً زن بوده که به تدریج مردان نیز با آنان همراه شدند. در ابتدا از مناطق حاشیه‌ای شکل گرفت و دامنه آن به شهرهای بزرگ گشوده شد. این افراد سخنگوی جامعه سرخورده، ناامید و نگران از آینده خویش بودند و خود را مدافع همه ایرانیان اعم از شیعه و سنی، فارس و غیر فارس، مسلمان و غیر مسلمان، مردان و زنان و ... می‌دانستند. آنان خواستار منافع همه افراد بودند که چه دین‌دار باشند چه غیر دین‌دار.

علاوه بر رادیکالیسم اجتماعی که زنان معترض به جنبش وارد می‌کنند، تازگی دیگر آن جوانگرایی آن است. اکثر آنها در اواخر نوجوانی یا ۲۰ سالگی خود هستند که بخش عمده‌ای از معترضان را تشکیل می‌دهند. آنها بخش زیادی از زندگی خود را صرف تماشای افزایش تورم، کاهش ارزش ریال و چشم‌انداز سه‌گانه‌ی موفقیت یعنی ازدواج، داشتن مسکن و خرید خودرو کرده‌اند. آنها با بیرون آمدن از قرنطینه دریافتند که جهان خارج از مرزهای ایران کمتر قابل دسترسی شده است، در حالی که تحریم‌ها همچنان مانع رشد و قدرت اقتصادی آنان می‌شود، چنین می‌پندارند که منافع اقتصادی بیشتر در دست کارگزاران قرار دارد و آنان سهمی از منابع و امکانات کشور ندارند (Bellaigue, 2022).

۵-۲-۲- مخالفت: مخالفت این جنبش در تضاد کامل با سبک زندگی ایجاد شده و وضعیت موجود در جامعه است. نظام سیاسی ایران تلاش نمود تا سبکی دینی از جامعه در تمام سطوح به نمایش بگذارد اما افراد حاضر در این جنبش با نمادها و مضامین ساختگی حکومت مخالفت کردند. آنان در ابتدا خواستار حذف گشت ارشاد شدند و به تدریج دامنه خواسته‌های آنان فراتر رفت و تقاضای سرنگونی حکومت را داشتند. برابری زن و مرد و عدم تمایز میان آنان از دیگر مخالفت‌هایشان با حکومت بود اما مهم‌ترین وجه مخالفت این افراد، تضاد با حجاب اجباری توسط حکومت است. این موضوع در واقع شکل‌گیری جنبش را رقم زد. مخالفت با حجاب اجباری باعث شد تا زنان و مردان در کنار یکدیگر قرار بگیرند و مخالفت‌شان را در خیابان‌ها با آتش زدن روسری و برداشتن حجاب نشان دهند (Sammy, 2023).

۵-۲-۳-عمومیت: خواسته‌های عمومی معترضان در شعارهایی که سر داده می‌شد به خوبی قابل فهم است. اول آنکه در ابتدای امر، خواسته‌های معترضان به سبک زندگی گره خورده بود و مشکل فرهنگی کشور را نشانه گرفته بودند. آنان از برابری میان انسان‌ها به ویژه حق قائل شدن برای زن در برابر مرد سخن گفتند. همچنین از ارزش آزادی در برابر حجاب اجباری توسط حکومت طرفداری می‌کردند. خواسته دیگر آنان، سبک زندگی معمولی که برای هر انسان لازم است، بود. هر چند این شعارها کلی بوده اما گویای ارزش‌های برتر آنان است. به تدریج شعارها تند شده و گرایش‌های سیاسی به خود گرفتند. در این مورد، دیگر خواسته معترضان، اصلاحات نیست، بلکه تغییر شرایط و تغییر رژیم را می‌خواستند. هر چند این خواسته چندان عمومیت نداشت (Hafezi, 2022).

۵-۳-شبه‌های کنش

۵-۳-۱-جامعه‌ی شبکه‌ای: کنشگران اغلب نوجوانان و جوانانی هستند که از خیزش‌های سه دهه گذشته درس گرفته و تاکتیک‌های مؤثرتری به نسبت گذشتگان خود در پیش گرفته‌اند. طیف متنوعی از طبقات اجتماعی نظیر اصناف، کسبه، خرده فروشان، پزشکان، هنرمندان، دانشجویان، دانش‌آموزان و ... در آن حضور دارند. پراکنش مکانی اعتراضات در نقاط مرکزی، شمالی، جنوبی و حاشیه‌ی پایتخت به‌خوبی نشانگر این فراگیری طبقات و گروه‌های مختلف درآمدی است. علاوه بر آن، این خیزش تا حد زیادی بر شکاف خیزش‌های اعتراضی مرکز - پیرامون غلبه کرده است و گروه‌های ملیتی در آن حضور مؤثر و مستمر داشته و توانسته‌اند مطالبات زنان را در رأس مطالبات کثیر خود قرار دهد. همراهی بی‌سابقه‌ی دیاسپورای ایرانیان با خیزش اعتراضی توانسته حمایت جهانی بی‌سابقه‌ای از آن پدید آورد. بنابراین کنشگران این جنبش به دنبال «نه به وضع موجود» که سلبی است، نیستند بلکه درصدد هستند تا وضعیتی را ایجاد کنند که در آن خواسته‌هایشان حاکم شود (صداقت، ۱۴۰۱).

جنبش کنونی با شعار «زن، زندگی، آزادی» و ویدئوهای اعتراضی شورانگیز پخش شده در فضای مجازی آغاز شد. در نبود جامعه مدنی، فضای مجازی توانست کنشگری جوانان را رقم زند. در این فضا دو شبکه اینستاگرام و واتساپ با ارائه تصویری سعی در ساخت روایت‌ها بودند. در فضای شبکه‌ای موجود فراخوان و دعوت از مردم نه از طریق گروه‌های

سازمان یافته اجتماعی و سیاسی بلکه از طریق گفتگوهای دوستانه، جماعت‌های کوچک و بزرگ، افراد ناشناس و پیوندهای سست به وجود آمد. با پایان یافتن عصر جامعه و افول روابط اجتماعی و افزایش احساس تنهایی در افراد، وضعیتی به وجود آمد که حول اجتماعاتی هویت‌جو شکل گرفت؛ اجتماعاتی که فراتر از هویت‌های ملی عمل کردند. در این اجتماع افراد متنوعی حضور یافتند که فراتر از هویت‌های ملی خود بودند و پیوندی را میان خود ایجاد کردند. قدرت در این شبکه به عنوان پاد قدرت عمل نمود (کاظمی، ۱۴۰۱). علیرغم قطع شدن اینترنت و فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی، اخبار اعتراضات به طور گسترده در سایت‌های خبری متمرکز بر ایران در رسانه‌های خارجی و بین‌المللی مانند واشنگتن پست و در رسانه‌های اجتماعی توسط روزنامه نگاران، فعالان و غیرنظامیان نمایش داده می‌شد (Shaar atc all, 2022).

۵-۳-۲- اعتراضات سمبلیک: اعتراضات سمبلیک در ایران به اشکال مختلف خود را نشان داد. به عنوان مثال در فضای شبکه‌ای شده این جنبش، هشتگ مهسا امینی بیشترین بازخورد را داشت. در توییتر، اینستاگرام و واتساپ، این هشتگ به بزرگترین هشتگ در بین اعتراضات تبدیل شد. در دانشگاه‌ها، دانشجویان با عدم مراجعه به کلاس‌های درس، حمایت خود را از جنبش نشان می‌دادند. سرودها، کلیپ‌ها و ترانه‌هایی هنرمندان، خوانندگان و ... ساخته و به نمایش گذاشته شد که حاکی از همراهی با جنبش را داشتند. در برخی از دانشگاه‌ها سلف سرویس دانشجویان به شکل مختلط برپا شد. در خیابان‌ها، زنان روسری خود را برداشته و بدون روسری در خیابان‌ها به اعتراض مشغول بودند. نمادهای دیگری نیز شکل گرفت که می‌توان از طراحی تی‌شرت با مضمون «زن، زندگی، آزادی» که بر روی آن نقش بسته است، یاد کرد. برخی از دختران در مدارس، روسری خود را درآورده و بدون حجاب در کلاس حضور می‌یافتند. همچنین این مضمون در دیوارنویسی‌ها نیز وجود داشت. سرود نخواندن توسط فوتبالیست‌ها در جام جهانی نیز از دیگر اعتراضات سمبلیک است. از دیگر اعتراضات سمبلیک می‌توان به قیچی کردن مو توسط زنان و حرکات نمایشی نظیر بستن مچ‌بند مشکی توسط ورزشکاران اشاره کرد. دیاسپورای ایرانی نیز در حرکتی اعتراضی حدود چند هزار نفر را در برلین به بهانه حمایت از جنبش گرد هم آورد (De Bellaigue, 2022).

۵-۳-۳- هویت مقاومت: هویت مقاومت در این جنبش به گونه‌ای است که در تضاد با کارگزاران شکل گرفته است. در برابر حکومت که به دنبال نظم اجتماعی است، کنشگران در جنبش به تخریب اماکن، آتش زدن اموال و آشوب در خیابان‌ها روی آوردند. کشتن نیروهای امنیتی و ایجاد درگیری خیابانی از جمله شیوه برخورد معترضان با حکومت بود. در واقع هر آنچه که حکومت برای تأمین و استقرار نظم انجام می‌داد، معترضان به منظور شکل بخشی به هویت مقاومت خود، خلاف آن را انجام می‌داند تا بدین طریق برای خود هویتی ایجاد نمایند. در برابر نیروهای حکومت که درصدد متفرق کردن معترضان بودند، جوانان در مقابل آنان ایستادگی می‌کردند. معترضان امروز که از تلاش‌ها برای دموکراتیک کردن و آزادسازی جنبه‌های سیاست و جامعه ایران سرخورده شده‌اند، در حالی که در محدوده دولت تئوکراتیک کار می‌کنند، خواهان تغییرات اساسی سیاسی و اجتماعی هستند که به‌طور مشخصی سکولار است. استفاده از مواد آتش‌زا نظیر کوکتل مولوتف از دیگر ویژگی‌های هویت مقاومت افراد حاضر در جنبش است. معترضان به طور فزاینده‌ای به پایگاه‌های بسیج، منازل و دفاتر کارکنان امنیتی و مقامات دولتی، حوزه‌های علمیه و مساجد حمله می‌کردند. راهنماهای ویدئویی در مورد ساخت کوکتل مولوتف در شبکه‌های اجتماعی ایران دست به دست شد، در حالی که آدرس منزل اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج و همچنین مساجدی که بسیجیان برای استراحت و سازمان‌دهی مجدد استفاده می‌کنند، مدام در فضای مجازی منتشر می‌شد (Sammy, 2023).

۵-۴- جنبش بودن اعتراضات اخیر

بیشتر طرفداران جنبش‌های جدید جوانانند در حالی که جنبش‌های کلاسیک عموماً توسط نخبگان رهبری می‌شد و از تمام گروه‌های سنی هم در آن مشارکت داشتند. همچنین جنبش‌های اجتماعی جدید دنبال بهبود کیفیت زندگی‌اند و اهداف فرامادی دارند، در حالی که جنبش‌های اجتماعی کلاسیک غالباً اهداف اقتصادی و مادی داشت. همچنین بر خلاف جنبش‌های اجتماعی کلاسیک که عموماً با مشارکت طبقات فرودست جامعه همراه می‌شد، جنبش‌های اجتماعی جدید بیشتر طبقات متوسط را درگیر می‌کند. از دیگر ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی جدید این است که به سرعت در سطح بین‌الملل

بازتاب پیدا می‌کند، جنبش اجتماعی اخیر ایران نیز با واکنش افراد مختلفی در سراسر ایران مواجه شد چراکه در سطح جهان مردم تصور نمی‌کردند ایران به عنوان کشوری که در خاورمیانه واقع است، از چنین بدنه اجتماعی تحول‌یافته‌ای برخوردار باشد. ویژگی دیگر جنبش‌های اجتماعی جدید این است که الزاماً بار ایدئولوژی ندارند. همچنین جنبش‌های اجتماعی جدید غیر متمرکز و غیر سازماندهی شده‌اند و از وسایل ارتباط جمعی جدید هم به طور گسترده استفاده می‌شود. بنابراین جنبش اجتماعی اخیر ایران یک جنبش اجتماعی جدید است (فولادیان، ۱۴۰۱).

جنبش‌ها الزاماً یک رهبر شاخص ندارد اما رهبرانی دارد که می‌توانند بین گروه‌های مختلف پیوند ایجاد کنند و مخالفان شرایط موجود را در کنار هم قرار دهند. جنبش زندگی، فاقد هرگونه رهبری مشخص و هدایت متمرکزی است. در عوض، رهبران این جنبش، آدم‌های معمولی‌اند که می‌توانند به صورت موقتی، مقطعی و پراکنده، هدایت آن را بر عهده بگیرند. تک‌تک افراد درگیر، از خود و دیگران می‌پرسند که آنها چه نقشی در این جنبش می‌توانند داشته باشند؟ حسی از بیگانگی که در طول یک دهه اخیر بین بسیاری از ناراضیان وضع موجود ایجاد شده بود، اینک به حسی از عاملیت و تأثیرگذاری تغییر یافته است. (کاظمی، ۱۴۰۱: ۵۴).

یکی از ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی روایتگری است، مثلاً تصویر خانمی که در مقابل یک ون گشت ارشاد ایستاده بود و اجازه بردن دخترش را نمی‌داد، یکی از این روایتگری‌هاست. البته باید توجه داشت روایتگری‌ها در عین حال که شرح ماوقع می‌دهد، باید در مورد آینده هم پیش‌بینی‌هایی کند و این بخش دوم در روایتگری‌های جنبش اجتماعی اخیر ایران رخ نداد. یکی از ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی طراحی تاکتیک است. در جنبش اجتماعی اخیر ایران رهبری که تاکتیک طراحی کند، دیده نمی‌شود. ویژگی بعدی رهبران وادار ساین به کنشگری است. همچنین رهبران تجربه سازمانی دارند اما این ویژگی‌ها بین کسانی که سعی در هدایت جنبش ایران دارند، دیده نمی‌شود. بنابراین جنبش اجتماعی اخیر ایران رهبر نداشت (فولادیان، ۱۴۰۱).

۶- نتیجه‌گیری

جنبشی اعتراضی ۱۴۰۱ در ایران، از منظر نظریه آلن تورن در باب جنبش‌های نوین اجتماعی با شیوه و روش معترضان همخوانی دارد. در این جنبش سه عنصر

جهت‌گیری‌های فرهنگی، مؤلفه‌های جنبش‌ساز و شیوه‌های کنش با کردار اعتراضی تطابق دارد. این جنبش فاقد رهبری مشخص و بدون ایدئولوژی خاص و عمدتاً در بر گیرنده افشار گوناگونی از افراد بود که خواسته آنان متعارض و چندگانه است. از نظر کنشگری، عمده فعالیت معترضان در فضای مجازی شکل گرفت و با فراخوان و دعوت از افراد، اعتراض خود را به کف خیابان کشاندند. هر چند این جنبش با هدایت از بیرون و عوامل خارجی به طور گسترده‌ای شکل گرفت اما چند عامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... در بروز جنبش و تحریک افراد مؤثر واقع شد.

همچنین چندین جنبه در حال ظهور جنبش سراسری ممکن است چالشی بلندمدت برای جمهوری اسلامی ایجاد کند. تظاهرات پس از درگذشت مهسا امینی نه تنها از نظر گستردگی جغرافیایی و طول عمر منحصر به فرد بود، بلکه از نظر شیوه‌ای که افشار مختلف جامعه را با ناراضی‌های متمایز و متداخل گرد هم آورد، منحصر به فرد بود. علاوه بر این با تقابل نیروی انتظامی با برخی از اغتشاشگران، خشونت تظاهرکنندگان روند صعودی داشت. شیوه‌های مقاومت نیز در تقابل با نیروهای امنیتی بوده است. هر چه دامنه اعتراضات بیشتر شد، استفاده افراد از مواد آتش‌زاد نیز افزایش یافت.

این جنبش در تقابل با الگوهای فرهنگی مورد قبول حکومت و ناکارآمدی حکمرانی شکل گرفت. جمهوری اسلامی ایران در طول ۴۴ سال حیات خود، تلاش کرده است تا در تقابل با نظام سرمایه‌داری و ابرقدرت آمریکا، کشوری مبتنی بر اصول دینی استوار نماید. در این شکل از حکومت، تقابل با نظام سلطه به یکی از جنبه‌های هویت‌بخش تبدیل شده است. مضامین نظام سلطه نیز برای حکومت دینی قابل پذیرش نیست و با شکست برجام تقابل بین ایران و غرب شدت گرفت و نتیجه آن فشار حداکثری و تحریم‌های گسترده بود که منجر به افزایش هزینه‌های زندگی در داخل کشور شد. در یک دهه اخیر نیز با رشد رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی آگاهی و مطالبات عمومی زیادتر شده است و این خود زمینه تقابل با حکومت را افزایش داده است.

منابع

- اخضریان، محمدرضا (۱۴۰۱)، معترضان طبقه چهارمی‌اند، حکمرانی جدید می‌خواهند نه حاکمان جدید، خبرگزاری جمهوری اسلامی، بازیابی شده در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۴۰۲، قابل دسترس در:
- <https://www.irna.ir/news/84901485>
- افروغ، عماد (۱۴۰۱)، اتفاقات اخیز جنبش نیست، شورش است، روزنامه فرهیختگان، بازیابی شده در تاریخ ۷ فروردین ۱۴۰۲، قابل دسترس در:
- <https://farhikhtegandaily.com/news/75123>
- تدین، حسین (۱۴۰۱)، از نگاه مردم، مشکلات اقتصادی کشور ناشی از چیست؟ به نقل از پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، قابل دسترس در:
- <https://www.ricac.ac.ir/news/4308>
- جاوید، محمد جواد؛ شاه‌مرادی، عصمت (۱۳۹۶)، جمهوری اسلامی ایران و مسئله بدحجاب، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، شماره ۱، بهار، صص ۱۳۹ تا ۱۶۴.
- جمشیدی، مهدی (۱۴۰۱)، آنچه که دیدیم، اغتشاش و شورش بود نه اعتراض، خبرگزاری جمهوری اسلامی، بازیابی شده در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۴۰۲، قابل دسترس در:
- <https://www.irna.ir/news/84898347>
- روشه‌گی (۱۳۶۶)، «تغییرات اجتماعی»، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- دلاپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو (۱۳۸۳)، «مقدمه ای بر جنبش‌های اجتماعی»، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۴۰۱)، کشور در وضعیت انقلابی قرار ندارد، انجمن جامعه‌شناسی ایران، بازیابی شده در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۴۰۲، قابل دسترس در:
- <http://www.isa.org.ir/6082>
- ذکایی، سعید؛ محمد شفیعی، سمیه سادات (۱۳۸۹)، کالبد شکافی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۰، پاییز، صص ۷۷-۱۲۰.
- صبوری، منوچهر (۱۳۸۳)، «جامعه‌شناسی سیاسی»، تهران، نشر نی.

- صداقت، پرویز (۱۴۰۱)، فصل جدید سیاست‌ورزی در ایران / چشم‌اندازهای خیزش ژینا، انجمن جامعه‌شناسی ایران، بازیابی شده در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۴۰۲، قابل دسترس در:

<http://www.isa.org.ir/6162>

- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۷)، تاملی بر تکیک «ردیابی فرآیند» در مطالعات انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه متین، سال یازدهم، شماره چهل.
- غلامرضا کاشی، محمد جواد (۱۴۰۱)، مردم اعتمادشان به گروه‌های میانجی را از دست داده‌اند، به نقل از جماران، قابل دسترس در:

<https://www.jamaran.news>.

- فاضلی، نعمت‌الله (۱۴۰۱)، تحلیل ناآرامی‌های شهریور ۱۴۰۱، به نقل از نامه نیوز، قابل دسترس در:

<https://www.namehnews.com/66/662912>

- فوزی، یحیی (۱۴۰۱)، جامعه ایران جامعه‌ای در حال تغییر، به نقل از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، قابل دسترس در:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/22947>

- فولادیان، مجید (۱۴۰۱)، جنبش‌های اجتماعی با تکیه بر اعتراضات اخیر، به نقل از ایسنا: قابل دسترسی در:

<https://www.isna.ir/news/1401082517397>

- کاظمی، عباس (۱۴۰۱)، حیات شبکه‌ای و جنبش زندگی در ایران ۱۴۰۱: پیشروی از خانه به خیابان، ماهنامه اندیشه پویا، شماره ۸۲، آذر و دی، صص ۵۲ تا ۵۷.
- مرادی طادی، محمدرضا (۱۴۰۱)، تحلیلی درباره‌ی «مستهجن شدن شعارها»، پایگاه خبری و تحلیلی انصاف، قابل دسترس در:

<http://www.ensafnews.com/375733>

منابع لاتین

- De Bellaigue, Christopher (2022), Iran's moment of truth: what will it take for the people to topple the regime? Guardian News, <https://www.theguardian.com/world/2022/dec/06/irans-moment-of-truth-what-will-it-take-for-the-people-to-topple-the-regime>.
- Hafezi, Parisa (2022), Analysis: Braced to crush unrest, Iran's rulers heed lessons of Shah's fall, <https://www.reuters.com/world/middle-east/braced-crush-unrest-irans-rulers-heed-lessons-shahs-fall-analysts-2022-10-06/>
- Shaar, Karam; Nia, Gissou and Kmiotek, Celeste (2022), What Iranian Human Rights Defenders Can Learn From Syria and Beyond, Foreign Policy, <https://foreignpolicy.com/2022/11/23/iran-protests-human-rights-documentation-syria-evidence/>.
- Sammy, Dana (2023), Anti-Government Demonstrations in Iran A Long-Term Challenge for the Islamic Republic, ACLED, <https://acleddata.com/2023/04/12/anti-government-demonstrations-in-iran-a-long-term-challenge-for-the-islamic-republic/>.
- Tajali, Mona & Hoodfar, Homa (2022), Iranian protesters are making demands in charters and bills of rights, The Conversation, <https://theconversation.com/iranian-protesters-are-making-demands-in-charters-and-bills-of-rights-201543>.
- Touraine, Alain. (1985) "An Introduction to the study of social Movem